

نکاتی در باره وظایف جنبش مستقل کارگری

بهزاد مالکی - آذر ۱۳۹۵

تعرض های مستمر دولت و کارفرماها به شرایط کار و زندگی کارگران همراه با سرکوب شدید اعتراضات کارگری طی چهار دهه گذشته و نیز انواع فشارها و تضييع حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی کارگران و زحمتکشان و اکثریت قریب به اتفاق مردم نتوانسته اند مبارزات اجتماعی و به ویژه اعتراضات کارگری را خاموش کنند و در سال های اخیر به رغم سرکوب های گوناگون شاهد تداوم و گسترش اعتراضات کارگران، زنان و دانشجویان و روشنفکران هستیم.

طبقات ستمگر و استثمارگرهنگامی که نتوانند به صورت مستقیم و رو در رو جنبش کارگران و زحمتکشان را خاموش کنند می کوشند از طریق نفوذ در این جنبش آن را به انحراف بکشند و به طور مستقیم یا از طریق کارگزاران خود در این جنبش آن را به زیر نفوذ خود درآورند و از این طریق هم این جنبش را در رابطه با خواست های کارگران اخته و بی اثر سازند و هم از آن به عنوان ابزاری در رقابت های درون سرمایه داران و رقابت های درون دولت بهره برداری کنند.

خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و غیره کارگزاران دولت و سرمایه داران در درون جنبش کارگری اند. هرچند اکثریت عظیم کارگران نسبت به این سازمان های وابسته به دولت و سرمایه داران بی اعتنا هستند اما این امر به معنی بی خطر بودن این تشکل هایی که با هدایت حکومت به وجود آمدند نیست. زیرا آنها ابزارهای تشکیلاتی دارند و به اسم کارگران در نهادهای مختلف شرکت می کنند و حتی ممکن است گاهی چهره معترض به خود بگیرند و خود را طرفدار کارگران نشان دهند. مانند مخالفت آنها با اصلاحیه قانون کار یا اظهارات شان در مورد افزایش مزد و غیره.

در درون هیأت حاکمه و نیز در حواشی آن - از جمله سردمداران خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و غیره - عناصر و گرایش هایی وجود دارند که یا به خاطر دوراندیشی - جلوگیری از اعتراضات غیر قابل کنترل کارگران در آینده -، یا فریب کارگران و خود را حامی آنان قلمداد کردن و یا مانووری در ماه های پیش از انتخابات ریاست جمهوری با اجرا کردن اصلاحیه دست کم در شرایط کنونی موافق نیستند. همچنین می توان از مانورها و ظاهر سازی های رژیم در مقابل مقامات سازمان بین المللی کار و یا بوروکراسی های حاکم بر اتحادیه های کارگری جهانی اسم برد (می دانیم که اخیرا علیرضا محجوبی به نایب رئیسی فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری WFTU رسید). افزون بر این در میان بورژوازی بوروکراتیک حاکم بر ایران باید از مدیران و سردمداران صندوق های تأمین اجتماعی نام برد که غول سرمایه گذاری مهمی مانند «شستا» (شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی) را کنترل می کنند. منافع اینان ایجاب می کند که بخش هایی از کارگران - به ویژه اشرافیت کارگری - را با خود داشته باشند و اشرافیت کارگری هم باید تظاهر کند که مدافع کل کارگران است و با تغییر قانون کار مخالف است!

حال در این میان وظایف جنبش مستقل کارگری (مبارزان راستین طبقه کارگر) چیست؟

الف) حفظ استقلال جنبش کارگری و اصالت خواست ها و روش های آن: منظور از استقلال جنبش کارگری، استقلال آن از دولت، کارفرما، احزاب سیاسی و نهادهای دینی است. جنبش کارگری برای دستیابی به خواست های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کارگران تلاش می ورزد باید از تمام نهادهای دولتی، کارفرمایی، احزاب سیاسی و

مؤسسات مذهبی مستقل باشد. روشن است که جنبش مستقل کارگری ایران هیچ گونه نزدیکی و همکاری و همراهی با خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و غیره نمی تواند داشته باشد چون اینها ابزارهای دولت، کارفرمایان و نهادهای مذهبی هستند.

ب) یکی از ویژگی های جنبش مستقل کارگری این است که به طور وسیع تر، عمیق تر و ریشه ای تر خواست های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کارگران را مطرح کند و خود را به آنچه «خواست های صنفی» گفته می شود (که مورد کارگران اصطلاح درستی نیست) محدود نسازد. زیرا خواست های سیاسی (مانند آزادی بیان، تظاهرات، اعتصاب، حق تشکل و حزب، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، برابری زن و مرد و غیره و غیره) مکمل و به پیش برنده خواست های اقتصادی و اجتماعی هستند و طبقه کارگر بدون آزادی سیاسی به خواست های اقتصادی و اجتماعی خود و به زندگی انسانی نایل نمی شود.

پ) هرچند می توان و باید از کوچک ترین روزنه و کوچکترین امکان علنی و قانونی هم برای پیشبرد مبارزه بهره جست، اما کارگران باید از تمام اشکال مبارزه (اعم از فعالیت علنی تا آنجا که امکان دارد و فعالیت مخفی) برای گسترش مبارزه و تحقق خواست های خود استفاده کنند.

ت) ضرورت اتحاد همه کارگران مبارزی که به استقلال طبقاتی پای بند هستند و از دسته های وابسته به دولت، سرمایه داران و اصلاح طلبان پیروی نمی کنند برای پی ریزی تشکل های کارگری در درون کارخانه ها و مؤسسات بزرگ خدماتی (حمل و نقل و تدارکات، مخابرات و ارتباطات، آموزش، بهداشت و درمان، بانک ها و غیره) و مؤسسات بزرگ کشاورزی خود را بیش از پیش نشان می دهد. سازمان سراسری کارگران بدون سازمان هائی که در درون کارگران مزدی کارخانه های بزرگ، مراکز خدماتی بزرگ و مؤسسات بزرگ کشاورزی به وجود آمده باشد و بدنه آن را تشکیل دهند نمی تواند به وجود آید.